

نسخه جادویی

مرض قبلی چند دقیقه ای بود که از اتاق بیرون رفته بود، از پشت میز بلند شدم و به سمت در رفتم تا ببینم چرا
مرض بعدی نمی آید، در همان موقع در اتاق باز شد، یک پسر مرد و یک رزن روستایی از دو طرف، دست خانمی را
گرفته بودند و واش و واش او را به داخل اتاق می آوردند. سلام کردم و در را کامل باز کردم تا آن‌ها راحتتر وارد
شوند
خانمی که

بهار بود به سختی راه می آمد و با چادری که روی صورتش افتاده بود، قافه اش را پوشانده بود

پسر مرد و پسر رزن روستایی که آثار درد و رنج سالها می دور و دراز را بر چهره داشتند، آنقدر شب‌ها هم بودند که به نظر
می رسید خواهر و برادر باشند

آنها به بهار را به آرامی روی صندلی نشانند

از صدای ناله های او که گاهی حالت گریه پیدا می کرد معلوم بود زن جوانی باشد

به آنها نیز تعارف کردم که بنشینند، پسر مرد نشست، اما پسر رزن روبروی من ایستاده بود و با لهجه محلی و صدای حزین
انگیز گفت:

آقای دکتر، به داد ما برس، همه هستی ما از دنیا هم نماند، یک دختره که او هم داره از دست ما ره، هر کاری از
دستتون
برمی آید برایش بکن.

چی شده؟ مشککش چیه؟

او رفت و چادر را از صورت بهار کنار زد دختر جوانی بود که معصومت و زبانی در چهره اش در هم آمیخته بود.
گردن و صورتش کج شده بود و چانه اش از سمت مقابل بالا رفته بود

چشمانش پر از اشک بود و برای آنکه بتواند به من نگاه کند آنها را به سختی به سمت مخالف صورتش آورده بود

معلوم بود که خیلی درد دارد ولی هیچ چیز نمی گفت

از نگاهش معلوم بود که ملتسانه از من می خواهد کمکش کنم

عضلات یکی از دستها ش از میچ، گردن و کتف پرش گرفته بودند و اعضای بدن او کج شده بود

از او پرسیدم: درد هم دار؟

با حرکات چشم و ابرو ش به من نشان داد که خیلی درد دارد. رزن گفت: آقای دکتر از درد، مرتب ناله میکنم.

گفتم: چند وقته اینطور شده؟

پدر رزن کهوزد ز رگره و بعد از مدتی گفت: الهی بهم رحم، قرار بود روز غدیر لباس عروسی به تن کنه. ولی از روز به این روز سه هفته افتاده، یکی مگه کزاز گرفته، یکی مگه سکنه مغزی کرده، دکتر هم گفت با این آزمایش و عکس داشته باشد، بهتره بستری بشه

پدر مرد که تا بحال ساکت بود گفت: آقای دکتر به ما گفتند اگر پدر ش شما به اورم زودتر بستری میکنم شه و تکلیفش روشن میکنم شه

از بیمار خواستم روی تخت دراز بکشد. وقتی با کمک پدر رزن میخواست روی تخت بخوابد، او را بدقت مشاهده کردم، وضع دست گردن و صورتش همانطور مانده بود خون، تعداد تنفس و درجه حرارت بدنش کاملاً طبیعی بودند

در سرو گردن جز اسپاسم عضلات سمت چپ گردن و کج شدن صورت مسئله دیگری نداشت

در حالی که مشغول پرسیدن سئوالات مختلف بودم، بقیه قسمت‌های بدن را نیز معاینه کردم

از نظر حسی و حرکتی، توان عضلانی و وضع دست نبضها هیچ مشکلی

نداشت

آثاری از ضربه یا زخم و کبودی در بدن او دیده نمیشد

خودش هم سابقه ضربه ا حادث

ای را نمی داد

از سوابق ب ما ر های قلبی او پرس دم

ب ر مرد گفت

آقای دکتر ا، ن بچه ما تا بحال رنگ دکتر و ب ما رستان را ند ده بود

فقط ...

ب رزن حرف او را شکست و گفت: سه روز ب ش، گلاب به روتون، ه خورده دل به هم خورده بود و استفراخ می کرد، دکتر چند تا سوزن و قرص داد که شکر خدا بهتر شد.

پرس دم: اون داروها همرا تون هست؟

ب رزن که همچنان م ض طرب بود و ا ستاده بود گفت: نه مادر، ا نقدر با عجله اومد م که اونها رو توی ده جا گذاشته م.

ب ر مرد گفت: سوزن ها ش که تموم شده بود، فقط دو جور قرص سف د ر ز داشت که چند تا ی از اونها موندده بود. با آنچه د ده و شن ده بودم، احتمال کزاز ا سکنه مغزی برای دخترک مطرح نبود، تقر با احتمال می دادم مشکل ب ما ر چه باشد، اما مطمئن نبودم

بهر حال تصم م خود را گرفته بودم، خود کار را برداشتم و روی سر نسخه نام دارو ی را نوشتم و به ب ر مرد دادم و گفتم

ا ن آمپول را از داروخانه پا ن بگ ر و ب اور تا من خودم به او بزنم

اگر خوب نشد او را بستری می کنم

ب ر مرد نسخه را گرفت و رفت

ب ر زن در فکر بود و مرتب قدم می زد، وقتی د دم چقدر نگران و مضطرب است لبخندی به او زدم و گفتم: ه ده قه بگ ر روی صندلی بنش ن، قول می دهم دخترت خوب خوب بشه

چرا آنقدر با عجله آمدی که دواهایش را جا گذاشته ؟

در حالی که می رفت تا روی صندلی بنشیند گفت: آخه آقای دکتر چه کنم؟ دختر نو عروسم داره از دستم ره رها کنه
می خواستم این دست و اون دست کنم تمام ده می فهم دند

آنوقت می گفتند دختره ناقص شده، ممکن بود به گوش خانواده داماد هم برسه

برای اینکه کسی نفهمه، چادرش

رو

روی سرش انداخته و با یک درستی اونوزود به شهر رسوند

چند دقیقه ای طول نکشد که پدر مرد با آمپول و سرنگ بازگشت. بعد از آماده کردن آمپول، آنرا بصورت آهسته در
ور دهای دست دخترک تزریق کردم

حالا به او نگاه می کردم، ظرف مدت کوتاهی، همچون فلیمی که آهسته
کرده

باشند، گردن و اعضای بدن او به آهستگی به جای خود بازگشتند

پدر مرد و پدر زن از شدت دهجان دهانشان باز مانده بود، برای آنها این اتفاق بدتر شبیه یک معجزه بود تا درمان

اشک شوق بر صورت هر دو آنها جاری شده بود

دختر جوان که دیگر کاملاً راحت شده بود و برق آمدن به چشمانش بازگشته بود، در حالی که با خوشحالی نگاهی تحسین
برایمگ زبر من داشت، گفت :

آقای دکتر، این معجزه جادو بود؟

گفتم: هیچکدام! من فقط یک عارضه دارو می بود که با دارو دیگر برطرف شد.

پ رزن بلافاصله گفت: پس آقای دکتر ما خ المومن راحت باشه؟ د گه دختر مومن مشکلی نداره؟

گفتم: خ المان راحت باشد. دختر شما سالمه سالمه. د گه لازم نیست اون قرص ها را بخوره. عروسی اش هم مبارکتون باشه.

آنها با خوشحالی و شادمانی رفتند من اد اول بن به ماری افتادم که با هم بن مشکل در دوران دانشجو ی ده بودم. آ بن به مار با مصرف قرص هالموپر دول دچار هم بن عارضه شده بود

ادم هست که استادم در مورد آن به مار گفت

هر چند که ا بن به مار با داروی نورولپیتکک دچار ا بن عارضه شده، ولی شایع تر بن داروی که می تواند عوارض اکستراپ راه دال ا جاد کند، متوکلوپرامید است که بخصوص در بچه ها به سرعت عوارض آن ظاهر می شود، استاد وقتی خودش آمپول آکنتون را به به مار زد می گفت

آکنتون در ا بن مواقع هم تشخیص است و هم درمان

به شکل عضلانی و ور دی می توان از آن استفاده کرد

وقتی ور دی مصرف شود، هر بن بلافاصله خوب می شود و فکر می کند دکتر جادو کرده است

((نسخه جادو ی))

نکات:

1 - این دختر خانم روستا ی بدلی گاستروآنتریت تحت درمان دارو ی قرار گرفته و احتمالاً آمپول و قرص متوکلوپرامید تجویز شده است و او با مصرف آنها دچار عوارض اکتراپ راه دال این دارو شده است .

2 - متوکلوپرامید مهارکننده سیستم دوپامینرژیک است و چون محرک حرکات پرستالتهیک است و تونوس ته محل اتصال مری به معده را افزایش می دهد یک داروی ضد استفراغ خوب است بطور شایع در درمان و پیشگیری از استفراغ (بوژه در موارد گاستروآنتریت) استفاده می شود. زمان لازم برای شروع اثر آن بعد از تزریق عضلانی، 10 تا 15

دقه و بعد از تزریق وریدی

1

تا

3

دقه و بعد از مصرف خوراکی

30

تا

60

دقه قه می باشد

طول مدت اثر آن

1

تا

2

ساعت است

عوارض اکستراپ راه دال در 2/ تا 1٪ کسانی که از متوکلوپرامید استفاده کرده اند ایجاد می شود ولی عوارض شایع تر این دارو خواب آلودگی، خستگی و
قراری
(
باشد و مع حدود
5/0)
می باشد

عوارض اکستراپ راه دال ممکن است با دوزهای درمانی و در هر گروه سنی ایجاد شود ولی در کودکان و جوانان شایع تر است
در بیماری های که جهت پوشش از استفرانهای ناشی از
شیمی درمانی دوزهای بالایی این دارو را مصرف کنند زردی شتر دانه می شود

این عوارض در بچه ها و جوانان بیشتر بصورت واکنشهای دستونه یک
(
مثل تورتیکولی اسپاسمودیک
)
در بالغین بصورت آکاتیزیا
(Akathisia)

معنی نا آرامی که می تواند فقط یک احساس درونی باشد و ا به شکل ناتوانی در نشستن، آرام گرفتن و ناتوانی در
ب خواب رفتن باشد و از عوارض فنوتازین ها می باشد
)
و در افراد مسن بصورت پارکینسون می باشد

واکنشهای دستونه یک ممکن است تا
36

ساعت پس از شروع درمان آغاز شده و
24

ساعت پس از قطع مصرف دارو رفع شود

زمان شروع علائم پارکینسون ممکن است بین چند هفته تا چند ماه متفاوت بوده و با قطع مصرف دارو برگشتناپذیر
باشد

دیسکینزی در ریس معمولاً پس از حداقل یک سال درمان مداوم با دارو بروز کرده و ممکن است بعد از قطع مصرف
دارو نیز پایداری داشته باشد

احتمال بروز واکنشهای دستونه یک در کودکان با مقدار مصرف بیش از
5mg/Kg
در روز بیشتر است

احتمال بروز اثرات اکستراپ راه دال در ب هاربان سالمخورده و ب هارانی که دچار نارسی حاد ا مزمین کلا ه هستند ن ز
ز ا د م باشد

(
در نارسی کلا ه با د دوز دارو را حداقل
60%
کاهش ده م
)

مصرف همزمان متوکلوپیرام د با سا ر داروهای ا جاد کننده واکنشهای اکستراپ راه دال مانند هالوپر دول و فنوت ا ز ن
ها

(
مثل کلرپروماز ن، پرفناز ن، پرومتاز ن، تر فلوپراز ن
)

ممکن است شدت و دفعات بروز واکنشهای اکستراپ راه دال را افزایش دهد

داروی را ج جهت درمان عوارض اکستراپ راه دال متوکلوپیرام د

Biperidin

است

3 : Biperidin - جزء دسته داروهای ضد د سک نزی (مانند آمانتاد ن، بنزوتروپین، د فن ه درام ن

هالوپر دول، لودوپا، تری هگز فند ل (می باشد. مکانه سم اثر

اختصاصی ا ن داروها شناخته نشده است، اما بنظر می رسد که ا ن داروها بطور نسبی گ رنده های کولم نرژ ک مرکزی را
در اجسام مخطط مغز مهار می کنند که در اثر آن تعادلی ب ن فعاله ت س ستم کولم نرژ ک و دوپام نرژ ک در هسته
های قاعده ای مغز بوجود می آ د

ب پر دن بصورت قرص 2 mg و آمپول 5 mg وجود دارد. در درمان واکنشهای اکستراپ راه دال ناشی از مصرف
داروها می توان از قرص ا آمپول آن استفاده کرد

ک عدد، ک تا سه بار در روز و آمپول
2 mg

عضلانی ا ور دی آهسته تزر ق م شود و در صورت ن از و تحمل ب هار، ا ن مقدار در فواصل هر ن م ساعت تکرار
م شود

(
حداکثر چهار بار در روز
)

در کودکان ابتدا

04/0 mg/kg

تزر ق عضلانی م شود که در صورت ن از، ا ن مقدار در فواصل هر ن م ساعت تکرار م شود

(
حداکثر
4

بار در روز
)

4- سستم اکستراپ راه دال: دستگاه عصبی مرکزی³ قسمت اصلی دارد که در انجام حرکات ارادی موثر هستند:

سستم کورته کواسیان ال که همان سستم پ راه دال است چون ارتباط کورتکس مغز را با مراکز حرکتی پایه نتر در ساقه مغز و نخاع از طریق پ راه دهای مدولاری برقرار می کند. اشکال در این سستم سبب ضعف افلیج حرکتی م شود

هسته های قاعده ای که شامل هسته های دمدار، پوتامن، گلوبوس پالم دوس و اجسام ساه می باشد که همان سستم اکستراپ راه دال نام ده م شود و حاوی گروهی از ساختمانهای مرتبط با هم است که دستورات آن از طریق سستم پ راه دال عبور نمی کند بلکه مستقیماً از تالاموس به کورتکس مغز می رود ولی از نظر آناتومی این سستم با سستم پ راه دال آمیخته بوده و جدا کردن آنها فقط جهت تسهیل مطالعه شان می باشد

این دستگاه مسئول تنظیم حرکات ارادی و مرکز اصلی حرکات خود کار می باشد. منظور از حرکات خودکار آن دسته از حرکاتی هستند که بعد از شروع، برای ادامه احتیاج به اراده ندارد. و پیام بن بعنوان پام آور اصلی این سستم عمل م کند

اشکال در سستم اکستراپ راه دال سبب اشکال در حرکات ارادی و در تون عضلات و توضع م شود

مخچه که مرکز هماهنگی حرکات است و اشکال در آن سبب ناهنجاری در زمان، سرعت و قدرت حرکات م شود.

5- تورتیکولی اسپاسمودیک (Spasmodic torticoli): تورتیکولی یک کلمه لاتین است که از دو کلمه Tortus به معنی twisted پچ خورده (و collum به معنی Neck گردن) مشتق شده است و در کل به معنی انقباض و خم شدن گردن به یک سمت می باشد، تورتیکولی علیل بسارزادی دارد که یکی از آنها تورتیکولی اسپاسمودیک است که در آن تورتیکولی گاهگاهی ایجاد م شود و به شکل اسپاسم دردناک عضله استرنوکلوئیدوماستوئید یک طرفه می باشد
المبته عضلات دیگر هم، کم و بیش گرفتار هستند.
در مواقع مختلف وضعیت سر ممکن است متفاوت باشد ولی شایع ترین وضعیت حالتی است که چانه بطرف مخالف عضله مبتلا چرخیده و گوش طرف مبتلا به پایین می آید.
انگر

عضلات خلفی مهره ها از گرفتار شوند، سر به عقب کشیده شود

المبته ۱ بن بهاری علل مختلفی دارد ولی در ۱ بن داستان توره کولی اسپاسمودیک بدلایل عارضه دارویی بوجود آمده بود، بنابراین بطور موقت ایجاد شده بود و با تزریق پریدونال بن عارضه بطور کلی مرتفع شد